

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی

سال پانزدهم، شماره‌ی اول، بهار ۱۴۰۲، پیاپی ۵۵، صص ۱۹-۴۸

DOI: 10.22099/JBA.2022.44926.4304

تصحیح و گزارش ابیاتی از دیوان کبیر

الهام خلیلی جهرمی*

شیرین رزمجو بختیاری**

چکیده

دیوان کبیر یا کلیات شمس تبریزی یکی از آثار برجسته‌ی مولاناست که متأسفانه کمتر از مثنوی بدان توجه شده است. حجم بسیار ابیات، یک‌دست نبودن نسخ خطی و شیوه‌ی سرایش این اثر، تصحیح آن را با دشواری‌هایی همراه کرده است. در این پژوهش، نویسندگان با اتکا به نسخ معتبر، به اصلاح ایرادهایی پرداخته‌اند که در دیوان مصحح فروزانفر مورد غفلت واقع شده است. این ابیات علاوه بر دیوان مصحح فروزانفر در دیگر تصحیح‌ها، گزیده‌ها و حتی ترجمه‌های دیوان کبیر نیز بررسی و مشخص شد که این ایرادها در بسیاری موارد در پژوهش‌های بعد از فروزانفر و به تبعیت از تصحیح ایشان وارد شده است. نیکلسون پیش از همه به تصحیح و ترجمه‌ی دیوان شمس پرداخته؛ ولی تعداد محدودی غزل (۴۸ غزل) را در گزیده‌ی خویش تصحیح و ترجمه کرده است. آربری نیز ۴۰۰ غزل را براساس نسخه‌ی پرحجم چستربیتی ترجمه کرده و بنابر قول خودش در مقدمه، به تصحیح فروزانفر هم دسترسی داشته است. توفیق سبحانی در سال ۱۳۸۶ بر اساس تک‌نسخه‌ی قویه‌ی ۷۷۰، کلیات شمس را تصحیح

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز elhamkhalili@shirazu.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه Sh.Razmjoo@urmia.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۶/۹/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۰/۷/۰۱

کرده؛ اما در پاره‌ای موارد از نسخه‌ی اساس خود تبعیت نکرده و بر شیوه‌ی تصحیح فروزانفر رفته است. در این مقاله با تکیه بر نسخ معتبر پاره‌ای از ابیات تصحیح شده با این هدف که ضبط بسامان‌تری از آن‌ها ارائه شود. در این راه علاوه بر نسخ خطی معتبر، بررسی زبان مولوی در دیگر آثارش و شیوه‌ی کارکرد تعبیرها و ترکیب‌ها نیز راه‌گشای نگارندگان بوده است.

واژه‌های کلیدی: ترجمه‌های دیوان کبیر، تصحیح دیوان کبیر، تصحیح فروزانفر، نسخ خطی معتبر.

۱. مقدمه

آثار مولوی جزو متون دست اول ادبیات فارسی به حساب می‌آید و مشهورترین اثرش، یعنی مثنوی بارها تصحیح شده و مورد توجه پژوهشگران و مصححان بسیاری قرار گرفته است؛ اما مولوی پژوهان برای پژوهش در دیوان کبیر مولوی هنوز به متن مصحح فروزانفر که حدود نیم قرن از آن گذشته است، استناد می‌کنند و تا به امروز متن بازبینی شده‌ای از آن در اختیار محققان قرار نگرفته است. یکی از مهم‌ترین دلایل مغفول ماندن تصحیح دیوان کبیر نسبت به مثنوی مولوی شرایط ویژه‌ی نسخه‌های خطی دیوان است. نگارندگان پیش از ده سال است که با تهیه‌ی نسخ متعدد به تصحیح مجدد دیوان مشغول هستند. در ضمن تصحیح نکته‌های فراوانی یافت شده است که موجب تغییر ضبط پاره‌ای از ابیات شده و در این مجال، به برخی از این نکته‌ها اشاره خواهد شد.

الفبایی که ما برای نگارش زبان فارسی استفاده می‌کنیم، در نوشتن و خواندن خطاها، بدخوانی‌ها یا بدفهمی‌هایی را ایجاد می‌کند. از مهم‌ترین عوامل می‌توان به این نکات اشاره کرد: وجود دندان‌های بسیار، پرنقطه بودن برخی حروف (مانند پ، ژ، ث، چ)، شباهت ظاهری نوشتار و تفاوت در نقطه (مثل ب/پ/ت/ث/ی)، شباهت شکل نوشتاری برخی حروف در دست‌نوشته‌ها (همچون د/ر، ر/ن) و «ها»ی بیان حرکت در آخر واژگان که در صورت اتصال نوشته نمی‌شده است. بی‌تردید در دست‌نوشته‌های امروزی نیز تمام این عوامل می‌توانند در متن بدخوانی یا بدفهمی ایجاد کنند، چه رسد به دست‌نوشته‌های

کهن که گاه در اثر سرعت نوشتن، بسیاری از دندانها یا نقطه‌ها مغفول واقع می‌شده یا در صورت ثبت درست، گذر زمان و عوامل متعددی به نوشتار موجود بر کاغذها خدشه وارد می‌کرده است.

از دیگر نکته‌های مهم نگارشی در دست‌نویس‌ها، پیوسته و جدانویسی و وجود فواصل است. امروزه می‌توان با نگارش ماشینی و دستورالعمل رسم الخط واحد تا حدی بر این مشکلات غلبه کرد؛ اما در دست‌نوشته‌های کهن، رعایت نکردن هرکدام از این موارد سهوهایی را در خوانش متن ایجاد کرده است.

نوشتن یا نوشتن «ها»ی بیان حرکت در پایان برخی واژگان که در دست‌نویس‌های متفاوت به گونه‌های مختلفی اعمال شده و قاعده‌ی یکسانی در تمام موارد رعایت نشده، از دیگران مسائلی است که در ضبط برخی واژگان اشکال‌هایی را ایجاد کرده است.

علاوه بر موارد یادشده، باید به این نکته نیز توجه داشت که با وجود پیشرفت فناوری، تصاویری که ما امروز از نسخ خطی در اختیار داریم، به مراتب باکیفیت‌تر از تصاویر و فیلم‌های دست‌نویس‌هایی است که فروزانفر و هم‌نسلانشان در اختیار داشته‌اند و بی‌تردید اکنون استفاده‌ی بهینه‌تری از این نسخ می‌توان داشت. امروزه نسخه‌های خطی اغلب به صورت رنگی با قابلیت بزرگنمایی می‌تواند یاریگر مصححان در تصحیح باشد.

همان‌گونه که از مقدمه‌ی فروزانفر بر مجلدات مختلف دیوان کبیر برمی‌آید، ایشان در مجموع یازده نسخه‌ی خطی در اختیار داشته‌اند که ۱۰ مورد از آنها را، البته نه تمام و کمال، مقابله و تصحیح کرده‌اند. حجم قابل‌اعتنایی از برخی نسخ، مانند «نورعثمانیه» و «نخجوانی» در مقابله مغفول واقع شده و گاه اطلاعات نادرستی درباره‌ی آنها داده شده است؛ همچنین نسخه‌بدل‌های برخی نسخ در پانوشت صفحات نیامده؛ درحالی‌که می‌توانست بسیار راه‌گشا باشد.

نسخه‌ی اساس فروزانفر، نسخه‌ی قونیه‌ی ۷۷۰ با اختصاری «فذ» است که ایشان در انتخاب غزل‌ها و ضبط بسیاری از ابیات تنها به این نسخه اکتفا کرده‌اند؛ درحالی‌که دست‌نوشته‌های معتبر گاهی ضبط‌های این نسخه را تأیید نمی‌کنند. فروزانفر در مقدمه اشاره کرده که سه نسخه‌ی شخصی کم‌اعتبار در اختیار داشته که در برخی مواضع که

کلمات محوشده، از آن‌ها استفاده کرده است. متأسفانه در ضبط برخی واژگان مشخص است که به هیچ‌کدام از نسخ ده‌گانه، باوجود واضح بودن، اعتنا نکرده‌اند و احتمال دارد از همان نسخه‌های شخصی بهره برده‌اند. نکته‌ی قابل‌توجه اینجاست که وضعیت نسخ خطی غزلیات مولوی که گاه به‌صورت وزنی و گاه به‌صورت الفبایی مرتب شده، همچنین گزیده بودن یا پرحجم بودن نسخه‌ها این‌گونه اقتضا کرده که فروزانفر ابتدا کل غزلیات را از روی یک نسخه‌ی پرحجم رونویسی کنند؛ سپس به مقابله‌ی آن با دیگر نسخ پردازند که به‌دلیل حجم زیاد غزل‌ها و مشوش بودن نسخ، خطاهایی در این میان رخ داده است. صدالبته که در چنین حجمی، خطاهای انسانی ناگزیر است و این مقاله به‌منظور اصلاح برخی از این خطاها نوشته شده.

۱.۱. پیشینه‌ی پژوهش

از زمانی که تصحیح فروزانفر از دیوان کبیر مولوی منتشر شده تا به امروز، مصححان و محققان ادب فارسی ضمن تقدیر از کار سترگ ایشان، به لزوم تصحیح دوباره‌ی آن اشاره کرده‌اند و تلاش‌هایی نیز در این زمینه، در حد انتشار تک‌نسخه یا نکته‌هایی در باب تصحیح ابیات انجام شده است.

پیش از هرکار باید از زحمتهای فروزانفر در عرصه‌ی تصحیح غزلیات شمس یاد کرد. در مقدمه‌ی جزء اول تصحیح فروزانفر به زحمتهایی که ایشان برای تصحیح غزلیات شمس کشیده‌اند، اشاره شده است. در همان‌جا خاطر نشان می‌کنند که اول بار سال ۱۳۳۸ هجری قمری (حدود ۱۲۹۶ شمسی) بود که کتاب مجمع الفصحای مرحوم رضاقلی‌خان هدایت را تهیه کردم و در مجلد اول این کتاب غزل‌هایی از مولوی ذیل شرح حال شمس تبریزی آمده بود. بعد از این کتاب، ایشان دیوان مولوی چاپ لکنهو را پیدا می‌کنند و بر اساس این دیوان چاپی متوجه می‌شوند که بسیاری از غزل‌هایی که در چاپ لکنهو آمده، الحاقی است (مولوی، مقدمه‌ی فروزانفر، ۱۳۶۳: الف و ب).

در این قسمت، کتاب‌ها و تصحیح‌ها و مقاله‌هایی که در زمینه‌ی تصحیح دیوان کبیر، معرفی نسخ دیوان و دیگر آثار مرتبط با آن نوشته شده است، به اختصار معرفی می‌شود:

تصحیح ویلی از ترجیع بندهای مولوی: در کتاب *سخنواره* (پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد پرویز ناتل خانلری)، مقاله‌ای با عنوان «ترجیعات مولانا و نسخه‌های دیوان مولانا»، از محمد عیسی ویلی به ترجمه‌ی ابوالقاسم سرّی چاپ شده است. در این مقاله، محمد عیسی ویلی اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی نسخ *دیوان کبیر* می‌آورد. وی ترجیع بندهای مولوی را برای رساله‌ی دکتری تصحیح کرده است.

در سال ۱۳۸۶ مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه‌ی ایران نسخه‌ی نفیس قونیه را که به تاریخ ۷۷۰ کتابت شده و اساس کار فروزانفر بوده است، به صورت عکسی چاپ کرد و جلد دومی به عنوان پیوست این کتاب شامل مقدمه‌ی توفیق سبحانی درباره‌ی ویژگی‌های این نسخه، همراه کشف‌الابیات منتشر شد.

توفیق سبحانی در سال ۱۳۸۶ هم‌زمان با چاپ نسخه‌ی عکسی قونیه‌ی مکتوب در ۷۷۰ این نسخه را همراه تعلیقات، فهرست و کشف‌الابیات حروف چینی می‌کند. وی طی مقاله‌ای با عنوان «*دیوان کبیر* قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر» پس از تمجید فراوان از زحمات ایشان یادآور می‌شود که فروزانفر با اینکه نسخه‌ی ۷۷۰ قونیه را به عنوان نسخه‌ی اساس برگزیده‌اند؛ اما در مواردی ضبط دیوان با این نسخه اختلاف فراوان دارد و ۹۳ مورد از این اختلاف‌ها را که نسخه‌ی قونیه با دیوان مصحح فروزانفر دارد، بیان می‌کند (سبحانی، ۱۳۸۶: ۹۷).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، برخی از نسخ مورد استفاده‌ی فروزانفر در تصحیح به‌طور کامل مقابله نشده است؛ برای نمونه نسخه‌ی نخجوانی با اختصاری «خج» که از نسخ مهم *دیوان کبیر* است، در مقابله‌ی غزل‌های مولوی چنان‌که باید به آن توجهی نشده و نه تنها در ضبط‌ها و نسخه‌بدل‌ها بدان پرداخته نشده؛ بلکه اطلاعات گمراه‌کننده‌ای در ذیل ۳۹۶ غزل این نسخه ارائه شده است. ۳۹۶ غزل که در نسخه‌ی نخجوانی موجود است، در زیرنویس فروزانفر نوشته شده: این غزل را نخجوانی (=خج) ندارد. (برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی استفاده‌ی ناتمام از نسخ خطی در تصحیح فروزانفر، نگاه کنید به مقاله‌هایی از نگارندگان با عنوان «ناگفته‌هایی از یک نسخه‌ی خطی (نسخه‌ی نخجوانی

دیوان کبیر مولوی»، «لزوم تصحیح دوباره‌ی غزلیات شمس» و «نقد دیوان کبیر مصحح استاد فروزانفر با تکیه بر نسخه‌ی نورعثمانیه».

گزیده‌های فراوانی از کلیات شمس تبریزی تهیه شده است که به ذکر تمام آن‌ها نیازی نیست؛ تنها باید به گزیده‌ی شفیع‌ی کدکنی اشاره کرد که در ضمن شرح و تعلیقات، نکته‌های ارزشمندی را درباره‌ی تصحیح غزلیات ارائه داده‌اند.

شفیع‌ی کدکنی اولین گزیده را در سال ۱۳۴۲ (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۵: ۲۹) و دومین را حدود چهل سال بعد، توسط انتشارات سخن به چاپ رسانده‌اند (همان، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

نیکلسون شیفته‌ی مولوی بود و مهم‌ترین اثری که در حوزه‌ی مولوی‌پژوهی از او به جا مانده، تصحیح و شرح مثنوی است؛ اما پیش از آن، اولین اثری که از مولوی تصحیح و ترجمه کرد، منتخبی از دیوان شمس تبریز بود. این کتاب نخستین نسخه‌ی انتقادی از چهل‌وهشت غزل مولانا بود که به صورت دوزبانه، همراه با مقدمه و یادداشت‌های مفصل انتشار یافت (لوئیس، ۱۳۸۵: ۶۸۰-۶۸۳).

این نسخه از منتخبات زمانی منتشر شد که هنوز تصحیح انتقادی متقنی از دیوان کبیر در دسترس نبود. با مقابله‌ی غزل‌های این منتخب با تصحیح انتقادی فروزانفر مشخص شد که ۷ غزل از میان ۴۸ غزل، منسوب به مولاناست و از آن او نیست. این تلاش نخستین گام ارزنده‌ی علمی در زنده کردن میراث بزرگ مولوی، یعنی غزلیات او بود. میراث مولوی‌پژوهی در میان خاورپژوهان پس از نیکلسون به شاگرد او، آربری (A.J. Arberry) (۱۹۰۵-۱۹۶۹)، سپرده شد. آربری در مقدمه‌ی کتابش آورده است اولین نسخه‌ی معتبری که از دیوان کبیر در دسترس محققان قرار می‌گیرد، نسخه‌ی کتابخانه‌ی سرچستربیته‌ی است که هرچند تاریخ کتابت آن معلوم نیست؛ اما با توجه به شواهد و قرائن، تاریخ نگارش آن را اوایل قرن هشتم دانسته‌اند (آربری، ۱۳۷۱: ۲۳۲-۲۳۳).

در سال ۱۹۶۳ میلادی، احسان یارشاطر از آربری دعوت کرد تا ترجمه‌ی غزلیات را برعهده بگیرد، زیرا آربری را به سبب احاطه بر ادبیات فارسی و مهارت بسیار در ترجمه شایسته‌ترین انتخاب می‌دانست. درنهایت حاصل این تلاش به ترجمه‌ی انگلیسی ۴۰۰ غزل مولوی در دو مجلد با عنوان *Mystical Poems of Rumi* منجر شد (لوئیس،

۱۳۸۵: ۶۸۸). هرچند آربری خود تحت تأثیر نیکلسون بوده است؛ اما ترجمه‌ی این ۴۰۰ غزل از دیوان کبیر تأثیر بسزایی بر مترجمان نسل‌های پس از خود داشته و دارد. آن‌گونه که آربری در مقدمه‌ی ترجمه‌ی خود گفته است، پیش از شروع ترجمه‌ی غزلیات، تصحیح فروزانفر را دیده و درعین حال هم‌زمان به دلیل آشنایی با سِر چستربیتی، میکروفیلم نسخه‌ی دیوان کبیر موجود در دارایی‌های او را هم تهیه کرده و این نسخه را به‌عنوان یک نسخه‌ی معتبر معرفی کرده است. هرچند فروزانفر این نسخه را در تصحیح به کار برده؛ ولی آربری معتقد است که کیفیت میکروفیلم این نسخه بهتر از عکسی بوده که فروزانفر در اختیار داشته و در مواردی که معتقد بوده غزل‌های تصحیح فروزانفر ضعف تصحیح داشته، تلاش کرده با رجوع به این نسخه در ضبط برخی واژگان تجدیدنظر کند (Arberry, 2009: 31).

آربری خود در مقدمه، نحوه‌ی گزینش ۴۰۰ غزل را بیان کرده و گفته معیار انتخاب غزل‌ها، انتخاب سبک‌های گوناگون از میان غزل‌ها و میزان دشواری آن‌ها بوده است، به‌گونه‌ای که این گزینش سبک‌های متنوع سخن مولوی و غزل‌های آسان و دشوار را دربربگیرد (همان: ۳۳).

۱.۲. معرفی نسخ

امروزه در میان پژوهشگران حوزه‌ی ادب فارسی جامع‌ترین تصحیح موجود از دیوان مولانا، تصحیح فروزانفر است. فروزانفر چهارده نسخه در مقدمه‌ی جلد اول و چهارم دیوان معرفی می‌کنند که تنها ده نسخه از آن‌ها را مبنای تصحیح خود قرار داده‌اند. از این میان نسخه‌ی شماره‌ی یک تا نه، در مقدمه‌ی جلد اول معرفی شده و نسخه‌ی دهم در مقدمه‌ی جلد چهارم وصف شده که از همان جلد به بعد در تصحیح از آن استفاده شده است.

نگارندگان با توجه به همان ده نسخه‌ی معتبر فروزانفر و یک نسخه‌ی نویافته تلاش کرده‌اند تا ضبط بسامان‌تری از برخی ابیات ارائه کنند. برای آشنایی با نسخ و روشن‌تر شدن علایم اختصاری آن‌ها، پیش از ذکر ابیات به‌اجمال نسخ مورد استفاده معرفی می‌شود:

ردیف	رمزها	محل نگهداری	خط	تاریخ ترقیمه	تاریخ تقریبی	تعداد برگ	تعداد ابیات	توضیحات
۱	عد	کتابخانه اسعدافندی در سلیمانیه	نسخ	ندارد	ربیع آخر ۷ و اوایل ۸	۳۴۸	۱۰۳۷۲	از رویِ نسخ دست اوّل استنساخ شده، افتادگی دارد
۲	قو	موزه‌ی قونیه	نسخ	ندارد	اواخر ۷	۲۵۲	۱۰۸۱۰	از رویِ نسخ دست اوّل استنساخ شده
۳	چت	کتابخانه‌ی چستریتی	نسخ	ندارد	قرن ۷	۳۵۹	۳۸۱۲۴	قابل اعتماد است
۴	مق	موزه‌ی قونیه	نسخ	ندارد	تا ربیع اوّل ۸	۵۲۴	۳۰۵۳۵	-
۵	خب	کتابخانه‌ی بلدیة استانبول	نسخ	۷۲۳	-	۳۰۰	۶۶۰	منتخبی از دیوان
۶	قح	کتابخانه‌ی گدک احمدپاشا	نسخ	۷۲۷	-	۲۰۲	۵۸۷۶	کاتبش با نسخه‌ی «خب» یکی است
۷	قص	کتابخانه‌ی گدک احمدپاشا	نسخ	۷۳۰	-	۲۷۸	۱۰۷۳۷	از قافیه‌ی راء تا نون
۸	خج	کتابخانه‌ی نخجوانی	نسخ	ندارد	تا اوایل ۸	-	-	قافیه واو و هاء و باء
۹	فد	موزه‌ی قونیه	نسخ	۷۷۰	-	۳۲۵	۴۰۳۸۰	نسخه‌ی اساس
۱۰	عل	کتابخانه‌ی حسن عالی بک یوجل	نسخ	ندارد	نیمه اوّل ۸	۴۱۴	۱۲۹۲۷	در مقدمه‌ی جلد ۴ معرفی شده است.
۱۱	جن	کتابخانه‌ی حالت افندی	نسخ	۷۱۷	-	۲۰۱	۳۳۸۲	جُنگی است مشتمل بر اشعار مولانا و سلطان ولد

۲. تصحیح پاره‌ای از ابیات

در این مجال تلاش شده که تعدادی از ابیات مولوی که در تصحیح فروزانفر مبهم یا نامفهوم است یا با ضبط نسخ خطی هم‌خوانی ندارد، بررسی و تصحیح بهتری از ابیات ارائه شود. در این میان به چند اثر دیگر از جمله: تصحیح توفیق سبحانی، گزیده‌ی شفیع‌کدکنی، ترجمه‌ی آربری از غزلیات و تصحیح و ترجمه‌ی نیکلسون، همچنین ترجمه‌ی عربی جمال‌الدین و دسوقی شتا مراجعه شده است.

در ابیاتی که به هرکدام از منابع بالا ارجاع نشده است، یا نکته‌ی قابل توجهی در حوزه‌ی تصحیح نداشته یا در گزیده‌ها و ترجمه‌ها نیامده است.

مواردی که در ذیل این عنوان می‌آید، به دو دسته‌ی «اشتباه در خوانش» و «بی‌توجهی به نسخ» تقسیم می‌شود که در ادامه خواهد آمد. تصویر نسخ خطی در برخی مثال‌ها به ضرورت آورده شده؛ اما برای مراجعه‌ی مخاطبان تصویر تمام ابیات موردبحث در تمام نسخ موجود در پایان مقاله آورده شده است.

۲.۱. اشتباه در خوانش

با توجه به آنچه پیش‌تر در مقدمه بیان شد، عوامل مختلفی مانند شیوه‌ی نگارش، حروفی که در کتابت شبیه به یکدیگر هستند و تعدد نقطه و «ها»ی بیان حرکت که در نگارش نسخ گاهی نوشته می‌شده و گاهی حذف می‌شده، در خوانش نسخ خطی مؤثر است. مواردی که در ذیل این عنوان قرار می‌گیرد، شامل موارد یاد شده است که تصحیح این موارد با کمک نسخ خطی و مفهوم و انسجام ساختاری ابیات انجام شده.

۲.۱.۱. «ها»ی بیان حرکت

یکی از موارد چالش‌برانگیز در تصحیح متون، «ها»ی بیان حرکت است. کاتبان در موارد متعددی «ها»ی بیان حرکت را حذف می‌کرده‌اند؛ برای نمونه زمانی که واژه‌ای به آن ختم می‌شده و درعین حال علامت «ها»ی جمع در پایان آن می‌آمده است، مانند پرنده، در کتابت پرنده‌ها نوشته می‌شده و «ها»ی بیان حرکت حذف می‌شده است. در نگاه اول به

نظر می‌رسد این نوع حذف باید همه‌جا قابل تشخیص باشد؛ اما این گونه نیست و گاهی موجب بدخوانی می‌شود؛ برای نمونه وقتی در بیتی «شاخها» می‌نوشتند، هم می‌توان آن را «شاخها» خواند و هم «شاخه‌ها»؛ همچنین «بادها» را هم می‌توان «بادها» خواند و هم «باده‌ها» و خوانش درست نیازمند توجه به قراین است. نمونه‌های زیر از این نوع‌اند:

۱. ۱. ۱. ۲. «شور» یا «شوره»؛ «گور» یا «کوره»؛ «غور» یا «غوره»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۲۹، بیت ۳ را این‌گونه آورده‌اند: «تا سبزه گردد شورها، تا روضه گردد گورها/انگور گردد غورها، تا پخته گردد نانِ ما». این بیت در نسخه‌های «قح، مق، چت، فذ» آمده است.

ضبط سه واژه‌ی «شور»، «گور» و «غور» جای تأمل و پرسش دارد. نخستین پرسش متوجه کلمه‌ی «گورها» یا «کوره‌ها» است. در نسخ مورد استفاده‌ی فروزانفر، سرکش گاف گذاشته نمی‌شده است؛ پس ایشان خودشان **گورها** را بر خوانش **کوره‌ها** ترجیح داده‌اند. اینکه‌های بیان حرکت شوره و غوره را هم لحاظ نکرده‌اند، در اینجا نمی‌تواند ناشی از رسم‌الخطشان باشد. ایشان برای رعایت قافیه‌ی میانی و متناسب شدن با گور، «شور و غور» را هم بدون‌های بیان حرکت آورده‌اند. از لحاظ مفهومی در ادبیات فارسی، تبدیل گور به روضه را داریم؛ ولی در این غزل این که کوره یا آتشدان به روضه بدل شود، با توجه به بیت دوم همین غزل درست می‌نماید و ارتباط افقی بیت‌ها و تصویرهای این غزل، ضبط **کوره** را تأیید می‌کند. اگرچه این تنها دلیل نیست؛ بلکه رعایت قافیه‌ی میانی با دو کلمه‌ی غوره و شوره هم مطرح است. ابیات اول و دوم این غزل را ملاحظه بفرمایید:

ای از وری پرده‌ها تاب تو تابستانِ ما ما را چو تابستانِ بیر دل‌گرم تا بُستانِ ما
ای چشم جان را توتیا، آخر کجا رفتی بیا تا آب رحمت برزند از صحنِ آتشدانِ ما

(مولوی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۵)

ذکر این نکته که مولوی در غزل ۳۰۱۷ هر سه کلمه‌ی شوره، غوره و کوره را به‌عنوان قافیه به کار برده است، دلیل دیگری می‌تواند باشد بر ترجیح ضبط ما یعنی (تا سبزه گردد

شوره‌ها، تا روضه گردد کوره‌ها/ انگور گردد غوره‌ها، تا پخته گردد نانِ ما). برای روشن شدن مطلب ابیات غزل ۳۰۱۷ آورده می‌شود:

لاله‌ستانست از عکس تو هر شوره‌ای عکس لبت شهد ساخت، تلخی هر غوره‌ای
... آه که ندیدی هنوز بر سر میدان عشق رقص کنان کله‌ها هر طرفی کوره‌ای
(همان، ج ۶: ۲۴۲)

جالب اینجاست که در شرح دیوان کبیر کریم زمانی، این غزل آمده است و ایشان بیت را چنین آورده‌اند:

تاسبزه گردد شوره‌ها، تا روضه گردد گوره‌ها انگور گردد غوره‌ها، تا پخته گردد نانِ ما
(مولوی، ۱۳۹۷: ۳۸۰)

کریم زمانی گوره را به معنای گورستان آورده است؛ (همان) درحالی که کلمه‌ی گوره در فرهنگ‌ها در معنای گورستان یافت نشد و به نظر می‌رسد این تفاوت ضبط‌ها ناشی از اشکالی است که در ضبط کلمه‌ی کوره بوده است و با اصلاح آن، بیت بسامان می‌شود. توفیق سبحانی با توجه به اینکه غور وجهی ندارد، غوره را به‌درستی نوشته؛ ولی قافیه‌ی میانی را لحاظ نکرده و شور و گور را مثل تصحیح فروزانفر در متن آورده است (مولوی، تعلیقات سبحانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰)؛ بنابراین ضبط درست بیت چنین است:

تاسبزه گردد شوره‌ها، تا روضه گردد کوره‌ها انگور گردد غوره‌ها، تا پخته گردد نانِ ما
در این مورد علاوه بر نگذاشتن‌های بیان حرکت، تصحیف کاف و گاف هم دیده می‌شود.
۲. ۱. ۱. ۲. «استادست» یا «استاده‌ست»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۴۸۱، بیت ۵ را این‌گونه آورده‌اند:

میان موج حوادث هرآنک استادست باشنا نرهد چونک آشنای تو نیست
این بیت در نسخ «خب، قح، عد، عل، مق، چت، فذ» آمده است. در تمام نسخ به‌جز «چت»، در پایان مصراع اول به‌صورت «استادست» بدون حرکت‌گذاری نوشته شده؛ اما در «چت» روی الف، ضمّه گذاشته شده است. ایشان این مصراع را بر اساس نسخه‌ی

«چت» بدون توجه به بقیه‌ی نسخ و حتی نسخه‌ی اساس خود، یعنی فذ حرکت‌گذاری کرده‌اند و روی الف به وضوح ضمه گذاشته و چنین آورده‌اند: «میان موج حوادث هرآنک استادست» (مولوی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۷۹).

نیکلسن در ترجمه و تصحیح *غزلیات شمس* «میان موج حوادث هرآنکه افتاده‌ست» آورده و چنین ترجمه کرده است:

He that is fallen amid the surge of accidents. (Nicholson, 1898: 38-39)

البته در زیرنویس این بیت، نسخه‌بدل «استادست» را هم آورده؛ اما آن را برای آوردن در متن ترجیح نداده است (همان).

آربری در ترجمه‌ی *دیوان کبیر* با عنوان *Mystical Poems of Rumi* در ترجمه‌ی این بیت آورده است:

Amidst the billows of contingencies **even the master shall not escape** by swimming, if he is not familiar with you. (Arberry, 1992: 86)

آربری با وجود اینکه تصحیح فروزانفر را در دست داشته، در ترجمه به ضبط چستریبیتی اتکا کرده و استدلال او این بوده که نسخه‌ی چستریبیتی نسخه‌ی معتبری است؛ اما فروزانفر نسخه‌ی با کیفیتی از آن را در اختیار نداشته. تنها نسخه‌ای که ضمه را بر الف گذاشته، چستریبیتی است و این کتابت نادرست موجب بدخوانی مصححان و مترجمان *غزلیات شمس* شده است؛ زیرا با نوع نوشتن این کلمه در بقیه‌ی نسخ هر دو خوانش، استادست یا استاده‌ست، محتمل است؛ چون های بیان حرکت «استاده‌ست» در نسخه‌ها گذاشته نمی‌شده است؛ اما با توجه به سیاق کلام، «ایستادن در میان موج حوادث» درست است، نه «استاد بودن در میان موج حوادث»!

ابراهیم دسوقی شتا در مقدمه‌ی کتاب *مختارات من دیوان شمس‌الدین تبریزی* ذکر نکرده که کدام تصحیح از *دیوان کبیر* را برای ترجمه برگزیده است. وی در ترجمه‌ی این بیت آورده: «و بین موج الحادئات کلّ من هم أستاذ، لا ینجو بالسباحه، ما لم یکن عارفاً بک.» (دسوقی شتا، ۲۰۰۹، ج ۱: ۱۳۷). چنان‌که ملاحظه کردید، ایشان کلمه‌ی موردبحث

را مانند فروزانفر «استادست» خوانده و احتمالاً همان ضبط به خوانش نادرست وی منجر شده. صورت درست بیت این گونه است:

میان موج حوادث هر آن که استاده‌ست به آشنا نرهد چون که آشنای تو نیست

۲. ۱. ۲. تصحیف

تصحیف، خطا کردن در قرائت کلمه و روایت آن در کتاب است. تحریف کلمه است از وضع آن و یا دگرگونی لفظ است، بدان گونه که معنی مراد تغییر کند و اصل آن خطاست (لغت‌نامه‌ی دهخدا).

تصحیف آن است که کلمه و عبارتی به سبب تشابه حروف و نبودن نقطه، حرکت‌گذاری نادرست، به کارنبردن درست علایم سجاوندی و... برخلاف آنچه نویسنده و گوینده اراده کرده یا به غیر آنچه مصطلح بوده، خوانده شود و از این روی موجب تغییر معنی می‌شود (شکراللهی طالقانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). موارد تصحیف متعدد است. تغییر در حروف مانند (کاف) و (گاف) به خاطر سرکش، (ز) و (ن) به خاطر شباهت در نوشتن در دست‌نویس‌های کهن، (ر) و (ز) به خاطر نقطه و... مواردی که در ادامه خواهد آمد، همه شواهدی از تصحیف (تغییر در حروف، حرکت‌گذاری، نقطه و...) هستند.

۲. ۱. ۱. ۲. «گهی» یا «گهی»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۳۰۴۸، بیت ۶ را این گونه آورده‌اند:

گهی بنالد و ناقه بزاید از شکمش عصا بیفتد و گیرد طریق ثعبانی

این غزل در نسخ «خب، عد، عل، خج، قح، مق، چت، فذ» آمده است. در نسخ تفاوتی بین کاف و گاف دیده نمی‌شود؛ اما جالب است که در بعضی ضمه آمده است.

در این بیت سخن از معجزه‌ی صالح و موسی است. در مصراع اول از معجزه‌ی صالح یاد شده که در سوره‌ی هود آمده است. صالح تلاش می‌کرد تا قوم خود را از پرستش بت‌ها بازدارد و ایشان را به یکتاپرستی فراخواند؛ اما قوم او (ثمود) سخن او را نپذیرفتند (هود/ ۴۲) و از وی درخواست معجزه کردند. بر اساس روایات اسلامی، روزی سنگ بزرگی از کوه شکافت و شتر ماده‌ای از آن بیرون آمد؛ صالح به قومش هشدار داد که به

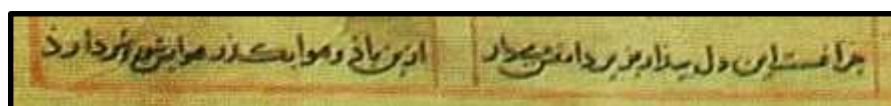
شتر آسیبی نرسانند (هود/۶۴)؛ اما قوم او، شتر را گرفتند و کشتند. در چهار نسخه‌ی معتبر قونیه، قره‌حصار، اسعدافندی و نخجوانی به‌وضوح «کُهی» ضبط شده است و جالب اینجاست که کاتبان نسخ برای جلوگیری از اشتباه روی کاف حرکت ضمه گذاشته‌اند. از لحاظ معنایی نیز پر واضح است که کُهی ضبط ارجح است؛ بنابراین ضبط درست بیت چنین است. برای درک بهتر معنا بیت پیشین نیز ذکر می‌شود:

چه‌هاست در شکم این جهان پیچاپیچ کزو بزاید انا الحق و بانگ سبحانی
کُهی بنالد و ناقه بزاید از شکمش عصا بیفتد و گیرد طریق ثعبانی

۲. ۲. ۱. ۲. «هوایش» یا «هوا بس»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۵۶۳، بیت ۹ را این‌گونه آورده‌اند:

چراغست این دل بیدار، بزیر دامنش می‌دار ازین بادو هوا بگذر، هوایش شور و شر دارد
این بیت، در نسخه‌های «جن، قح، عد، قو، مق، چت، فذ» آمده. ضبط تمام نسخ به وضوح «هوا بس...» است؛ در حالی که فروزانفر «هوایش» ضبط کرده و ظاهراً از روی نسخه‌ی شخصی که در مقدمه بدان اشاره کرده، این ضبط را برگزیده است.
توفیق سبحانی هم در مصراع دوم بدون توجه به نسخه‌ی فذ و به تبعیت از فروزانفر، «هوایش» ضبط کرده است (مولوی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۳۰)؛ در حالی که نسخه‌ی فذ به وضوح «هوا بس» نوشته است.



تصویر ۱: صفحه‌ی ۳۵۵ فذ

ترجمه‌ی آربری از این بیت، این‌گونه است:

This wakeful heart is a lantern; hold it under your skirt; pass
away from this wind and air, for the air puts it into commotion.
(Arberry, 2009: 97)

این قلب بیدار یک فانوس است. آن را زیر دامن خود نگه دار؛ از این باد و هوا بگذر؛
زیرا هوا آن را به آشوب می‌کشانند. آربری نیز که براساس چستربیتی ترجمه کرده، برای

هوا ضمیری نیاورده است و it در ترکیبِ put it into به lantern یعنی فانوس برمی‌گردد. از نظر ساختار نحوی کلام در بیت فارسی، «ش» در زیر دامنش به چراغ برمی‌گردد و اگر در مصراع دوم هوایش را بر هوا بس ترجیح دهیم، مرجع ضمیری برای شین وجود ندارد که مفید معنا باشد؛ بنابراین صورت صحیح بیت چنین است:

چراغ است این دل بیدار، زیر دامنش می‌دار از این باد و هوا بگذر، هوا بس شور و شر دارد

۲. ۱. ۲. ۳. «پری» یا «بری»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۴۷۹، بیت ۷ را این‌گونه آورده‌اند:

زر او دهد که رخس از فراق همچو زرست چرا دهد زر و سیم آن پری که سیمینست
این غزل در نسخه‌های «خب، قح، عد، عل، مق، چت، فذ» آمده است. مصراع دوم بیت ۷ در نسخه‌ی چستربیتی (= چت) چنین آمده است: «نه آنکه با بر سیمین و زلف پر چینست»؛ در نسخه‌ی نورعثمانی (= عل) چنین است: «چرا دهد زر و سیم آن کسی که سیمین است» و در نسخه‌ی قونیه‌ی پرحجم ۷۷۰ (= فذ) چنین آمده: «چرا دهد زر و سیم آن پری که سیمین است». در بقیه‌ی نسخ «چرا دهد زر و سیم آن بری که سیمین است» آمده است.

به دو دلیل می‌توان بری را بر پری ترجیح داد:

نخست دلیل نسخه‌شناسی که تمام نسخه‌های معتبر خب، قح، عد و مق «آن بری» نوشته‌اند؛ اما فروزانفر با پایبندی به نسخه‌ی اساس، «پری» را وارد متن کرده است. در نسخ معتبر قح و خب معمولاً پ سه نقطه دارد؛ ولی در اینجا به وضوح یک نقطه گذاشته شده است. معمولاً نوع کتابت «ب» و «پ» در نسخه‌ها به یک شکل است؛ اما در نسخه‌های مذکور اغلب متفاوت است (رک. تصاویر سایر نسخ در پایان مقاله).



تصویر ۲: برگ ۵۴ قح

دومین دلیل مفهوم و تصویرسازی بیت است. «برِ سیمین» بارها در ادبیات به کار رفته است. از نظر معنایی برِ سیمین است که زر می‌دهد چه از آن پری باشد چه معشوق و از خلال برِ سیمین است که این تصاویر خلق شده است. مولوی همین مضمون را در ابیات زیر آورده:

پرده بردار ای قمر پنهان مکن تنگ شکر تا بر سیمین تو احوال ما زرین کند

(مولوی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۱۷)

سیمبر از سیم تو سیم برم به جان تو وز می نو که داده‌ای جان نبرم به جان تو

(همان، ج ۵: ۲۶)

بار دیگر از بر سیمین خود دست بی سیمان پر از زر می‌کنم

(همان، ج ۴: ۲۶)

سیمبر خوب عشق رفت به خرگاه دل چهره‌ی زر لایق آن بر سیمین که راست؟

(همان، ج ۱: ۲۶۸)

با توجه به نمونه‌هایی که ذکر شد، «برِ سیمین» و «سیمین بر بودن» یکی از ترکیب‌های پرکاربرد مولوی است که همراه «زر» و «سیم» تصاویری را خلق می‌کند.

در بیت زیر، واژه‌ی «پری» به این تصویر اضافه شده است با این توضیح که «پری»

یک «برِ سیمین» هم دارد:

چون دیوره بپیما تا بینی آن پری را وندر بر چو سیمش تو کار دل چو زر کن

(همان، ج ۴: ۲۵۲)

در آثار مولوی «پری سیمین» به‌تنهایی به کار نرفته است و تنها در بیت مذکور به «برِ سیمین پری» اشاره شده است؛ بنابراین در بیت مورد بحث نمی‌توان گفت «آن پری که سیمین است»؛ زیرا این تصویر واژه‌ی «بر» را کم دارد باید گفته شود: «آن پری که بر سیمین دارد».

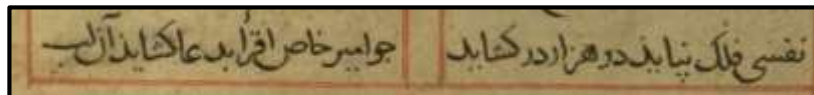
شفیعی کدکنی فقط ۵ بیت نخست این غزل را آورده‌اند؛ بنابراین بیت ۷ ذکر نشده است. توفیق سبحانی «آن پری که سیمین است» آورده است؛ زیرا در نسخه‌ی اساس او

یعنی فذ «پری» نوشته شده است (مولوی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۳۹) با توجه به دلایل مذکور صورت مرجح بیت چنین است:

زر او دهد که رخس از فراق همچو زر است چرا دهد زر و سیم آن بری^۱ که سیمین است؟
 ۱. ۲. ۴. «نیاید» یا «نپاید»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۳۰۱، بیت ۳ را این گونه آورده‌اند:

نفسی فلک نیاید، دوهزار در گشاید چو امیر خاص «اقرأ» به دعا گشاید آن لب
 این غزل در نسخه‌های «قح، عد، قو، چت، فذ» آمده است. از میان این نسخ در نسخه‌ی «قو» به صورت «نیاید» آمده؛ البته لازم است ذکر شود که در نسخه‌ی «قو»، همیشه برای حرف «پ» سه نقطه گذاشته نشده و گاهی دو نقطه گذاشته است؛ برای نمونه در برگ ۱۷۶ همین نسخه، واژه‌ی «پرخمار» را به صورت «یرخمار» نوشته است؛ اما در سایر نسخ به وضوح ضبط «نیاید» آمده است. مصراع اول این بیت با ضبط فروزانفر مفید معنی نیست؛ اما اگر از ضبط «نیاید» استفاده کنیم، معنی مفیدی از آن حاصل می‌شود؛ یعنی فلک حتی یک نفس هم نمی‌تواند درنگ کند و تاب بیاورد. با توجه به اینکه حروف فارسی شباهت بسیاری به هم دارند و تنها معیار تمایز برخی از این حروف تفاوت در نقطه‌های آن‌هاست، چنین اشکالی در تصحیح بسیار محتمل است.



تصویر ۳: برگ ۱۶۷ قح

بنابراین ضبط درست بیت چنین است:

نفسی فلک نپاید، دو هزار در گشاید چو امیر خاص اقرأ به دعا گشاید آن لب
 ۱. ۲. ۵. «گرز رویین» یا «گرز و زوبین»

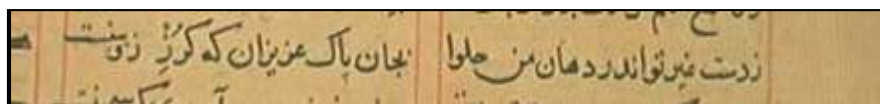
فروزانفر در غزل شماره‌ی ۴۷۹ بیت ۵ را به صورت زیر آورده‌اند:

ز دست غیر تو اندر دهان من حلوا به جان پاک عزیزان که گرز رویینست

این بیت در نسخه‌های «خب، قح، عد، عل، مق، چت، فذ» آمده است. فروزانفر در مصراع دوم، ترکیب «گرزِ رویین» را به کار برده‌اند و در زیرنویس به ضبط خب و فذ اشاره کرده؛ درحالی‌که این ترکیب در هیچ‌کدام از نسخ به این صورت، یعنی «گرزِ رویین» نیامده است. در نسخه‌های «خب، قح، عد، عل، مق، چت» به صورت «گرز و زوپین» آمده و تنها در نسخه‌ی «فذ» با کسره‌ی اضافه بدون «واو» نقل شده که آن هم «زوپین» آمده نه «رویین»، به صورت «گرزِ زوپین». با وجود اینکه در زیرنویس به ضبط خب و فذ (=نسخه‌ی اساس استاد) اشاره شده، بر ما معلوم نشد که چرا «رویین» را در متن آورده‌اند. شفیع‌ی کدکنی هم این بیت را در گزیده‌ی خود مثل فروزانفر «گرزِ رویین» آورده‌اند (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۳۱۸). توفیق سبحانی به تبعیت از فروزانفر «گرزِ رویین» آورده است (مولوی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۳۹)؛ درحالی‌که در تک‌نسخه‌ی ایشان، یعنی فذ به وضوح «گرزِ زوپین» نوشته شده است.



تصویر ۴: برگ ۵۴ قح



تصویر ۵: صفحه‌ی ۱۴۷ فذ

ترکیب «گرز و زوپین» در متون کهن ادب فارسی سابقه دارد:

گرز و زوپین و خشت و نیزه و تیر سپر و تیغ و ناچرخ و خنجر

(مسعود سعد سلمان، ۱۳۸۴: ۲۱۸)

در سام‌نامه نیز این ترکیب آمده است:

سپر بر کتف گرز و زوپین به چنگ عمودی که هشصد من آمد به سنگ

(عطایی، ۱۳۹۲: ۳۷۰)

بنابراین رواج باهم آیی این دو واژه می تواند در پیش زمینه‌ی ذهنی مولوی به عنوان یک گزاره برای ایجاد این تشبیه بوده باشد. در این تشبیه گرز می تواند به گلوگیر بودن حلوا و زوبین به برندگی آن اشاره داشته باشد. به طور کلی مفهوم کنایی گرز و زوبین شدن حلوا نشانگر آسیب رسانی حلوائی است که از دست غیر داده شده است.

ضبط درست بیت با توجه به نسخ و توضیحاتی که پیش تر بیان شد، این گونه است:
 ز دستِ غیر^۲ تو اندر دهانِ من حلوا^۱ به جان پاک^۳ عزیزان که گرز و زوبین^۴ است
 ۲. ۱. ۲. ۶. «دردویدن» یا «دررفتن»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۴۴، بیت ۵ را این گونه آورده‌اند:

آب حیات او ببین، هیچ مترس از اجل دردو در رضای او، هیچ ملرز از قضا
 در نسخه‌های «قح، عد، مق، چت، فذ» آمده است. در همه‌ی نسخ «دررو» آمده؛ ولی
 فروزانفر «دردو» نوشته‌اند. فعل «دردو» در هیچ کدام از آثار مولوی به کار نرفته است. فعل
 دردویدن در زبان مولوی به صورت پیشوندی کاربرد ندارد؛ اما فعل پیشوندی «دررفتن»
 در معنای داخل شدن و درون آمدن در زبان مولوی و پیش از او هم کاربرد فراوان دارد:
 گوید دریا که: «ز کشتی بجه در رو در آب مصفای من»
 (مولوی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۹۷)

ز کوی عشق می آید ندایی رها کن کو و کو، در رو در این کو
 (همان، ج ۵: ۴۸)

خامش کن و خامش کن در رو به حریم دل کاندلر حرمین دل نبود دل آزده
 (همان: ۱۱۷)

بنابراین ضبط درست بیت چنین است:

آب حیات او ببین، هیچ مترس از اجل دررو در رضای او، هیچ ملرز از قضا

۲. ۱. ۲. ۷. «روی» یا «دوی»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۴۴، بیت ۱۰ را این‌گونه آورده‌اند:

بام‌وهوا توی و بس، نیست روی بجز هوس آب حیات جان توی، صورت‌ها همه سقا
این غزل در نسخ «قح، عد، مق، چت و فذ» آمده‌است. در تمام نسخ «نیست دوی به
جز هوس» آمده است. با توجه به مضمون غزل و ضبط تمام نسخ «نیست دوی به جز
هوس» ترجیح دارد و منظور این است که دوگانگی و شرک، هوی و هوسی بیش نیست.
برای روشن‌تر شدن مفهوم بیت، بیت پیش از آن هم در ادامه خواهد آمد:

دل چو کبوتری اگر می‌پردد ز بام تو هست خیال بام تو قبله‌ی جانش در هوا
بام‌وهوا تویی و بس، نیست دویی به جز هوس آب حیات جان تویی صورت‌ها همه سقا
خواندن اشتباه «روی» به جای «دوی» شارحان را به اشتباه انداخته و در توضیح معنی
بیت با توجه به ضبط فروزانفر چنین آمده است: «ظاهراً «رو» را به معنی رفتار و روش
آورده و حاصل گفتار مولانا این است که هر روشی و راهی که به جز به‌سوی تو باشد،
هوس است. می‌توان «روی» را به معنی قافیه نیز گرفت و چنین معنی کرد که قافیه (=
شعر) جز هوسی بیش نیست.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۸۴).

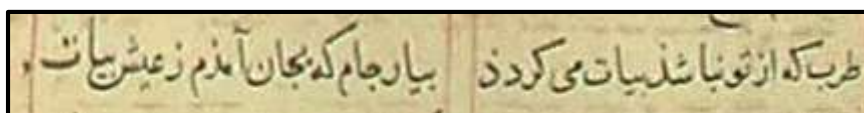
۲. ۲. بی‌توجهی به نسخ

یکی از نکته‌های مهمی که پیش‌تر بدان اشاره شد، میزان توجه مصحح به نسخ خطی
است. نمونه‌هایی که در ادامه خواهد آمد، مصداق بارز بی‌توجهی به ضبط اغلب یا کل
نسخه‌هاست. گاهی ممکن است این بی‌توجهی تفاوت فاحش معنایی ایجاد کند، گاهی
نیز تفاوت چندانی در معنا ایجاد نمی‌شود؛ اما ساختار ترکیب‌ها یا ویژگی‌های سبکی و
زبانی تغییر می‌کند.

۲.۲.۱. «عشق» یا «عیش»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۴۷۴، بیت ۹ را این‌گونه آورده‌اند:

طرب که از تو نباشد بیات می‌گردد بیار جام که جان آمدم ز عشق بیات
این بیت در نسخه‌های «جن، خب، قح، عد، عل، مق، چت، فذ» آمده‌است. در همه‌ی
نسخ «عیش بیات» آمده است؛ ولی فروزانفر «عشق بیات» نوشته‌اند. توفیق سبحانی هم به
تبعیت از فروزانفر با این‌که در نسخه‌ی فذ هم «عیش» آمده؛ اما متأسفانه «عشق بیات»
آورده. (مولوی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۳۷) از نظر مفهومی هم عیش در این بیت متناسب و بجایتر
از عشق است.



تصویر ۶: صفحه‌ی ۱۴۶ فذ

ضبط درست بیت چنین است:

طرب که از تو نباشد بیات می‌گردد بیار جام که جان آمدم ز عیش بیات^۶

۲.۲.۲. «خاصه» و «کاسه»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۱۸۲۱، بیت ۱۲ را این‌گونه آورده‌اند:

حمله‌ی شیر یاسه کن، کله‌ی خصم خاصه کن جرعه‌ی خون خصم را نام می‌مغانه کن
این غزل در نسخه‌های «قح، عد، قو، قص، مق، چت، فذ» آمده. در مصراع دوم ضبط
تمام نسخ «کله‌ی خصم کاسه کن» است؛ اما فروزانفر به جای «کاسه»، «خاصه» آورده‌اند.
بر ما معلوم نشد ایشان کلمه‌ی «خاصه» را از چه نسخه‌ای آورده‌اند؛ زیرا در هیچ‌یک از
نسخ این ضبط نیامده است. در ضمن یاسه کردن به معنای آرزو کردن است. با ضبط
«خاصه کن» این معنی مفهومی مفیدی ندارد؛ بنابراین ضبط درست بیت چنین است:

حمله‌ی شیر یاسه کن، کله‌ی خصم کاسه کن جرعه‌ی خون خصم را نام می‌مغانه کن

۲.۲.۳. «کرد قضا دل مرا» یا «کرد قضای دل مرا»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۲۱۵۲، بیت ۱۱ را این‌گونه آورده‌اند:

زاهد کشوری بدم، صاحب منبری بدم کرد قضا دل مرا عاشق و کف‌زنان تو
این بیت در نسخه‌های «جن، قح، عد، خج، قو، چت، فذ» آمده است. ضبط تمام نسخ
به‌وضوح «کرد قضای دل مرا» است؛ اما فروزانفر «کرد قضا دل مرا» ضبط کرده‌است. با
توجه به ضبط درست بیت بر اساس تأیید تمام نسخ، معنای بیت چنین است: سرنوشت
دل، مرا عاشق و کف‌زنان تو کرد.

این بیت در مناقب العارفین افلاکی نیز در ضمن حکایتی به همان صورتی که در تمام
نسخ آمده نقل شده؛ یعنی «کرد قضای دل مرا...». این سند نیز مؤید ضبط مذکور است
(افلاکی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۲۴).

بنابراین ضبط مرجح بیت چنین است:

زاهد کشوری بدم، صاحب منبری بدم کرد قضای دل مرا، عاشق و کف‌زنان تو
۲.۲.۴. «تشریفت» یا «تعریف»

فروزانفر در غزل شماره‌ی ۲۴۳۲، بیت ۱۵ را این‌گونه آورده‌اند:

امروز تشریفت دهد تفهیم و تشریفت دهد ترکیب و تألیفت دهد با عقل کل جانانه‌ای
این بیت در نسخه‌های «خب، قح، عد، خج، قو، مق، چت، فذ» آمده. ضبط مصراع
اول در تمام نسخ «تفهیم و تعریف دهد» است؛ اما فروزانفر «تفهیم و تشریفت دهد»
ضبط کرده که به‌احتمال زیاد سهوی در ضبط رخ داده؛ زیرا با این ضبط دوبار «تشریفت»
دادن را در یک مصراع بیان کرده و این مسئله دور از فصاحت است. صورت درست بیت
چنین است:

امروز تشریفت دهد، تفهیم و تعریف دهد ترکیب و تألیفت دهد، با عقل کل جانانه‌ای

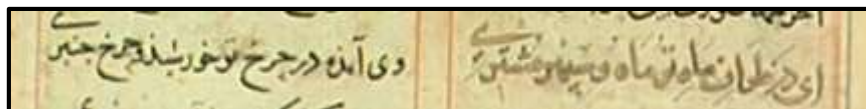
۲.۲.۵. کسره‌ی اضافه یا واو عطف

در بسیاری ابیات تفاوت موجود در ضبط مربوط به «واو عطف» است. با توجه به اینکه در اغلب نسخ خطی غزلیات نوشتن واو عطف مرسوم بوده‌است، طبعاً باید در تصحیح غزلیات نیز واو عطف نوشته شود. ابیاتی که ذیل این عنوان خواهند آمد، نمونه‌ای از موارد متعددی است که در آن‌ها حذف واو عطف بی‌دلیل و بدون توجه به ضبط نسخ اتفاق افتاده است.

غزل ۲۴۲۹ فروزانفر / بیت ۱

فروزانفر این بیت را این‌گونه آورده‌اند:

ای در طواف ماه تو ماه و سپهر مشتری ای آمده در چرخ تو خورشید و چرخ چنبری
این غزل در نسخه‌های «جن، خب، قح، عد، خج، قو، مق، چت، فذ» آمده. در مصراع اول ضبط تمام نسخ به جز فذ «سپهر و مشتری» است و فروزانفر هم براساس فذ و بدون اشاره به ضبط دیگر نسخ «سپهر مشتری» ضبط کرده‌اند. در نسخه‌ی فذ مصراع اول حرکت‌گذاری شده، فروزانفر هم به تبعیت از نسخه‌ی اساس خود این حرکت‌گذاری را انجام داده‌اند؛ اما در برخی حرکت‌ها تفاوت‌هایی دیده می‌شود که ممکن است ناشی از اشتباه چاپی بوده باشد؛ برای نمونه «ماه تو» در نسخه‌ی فذ به این صورت حرکت‌گذاری شده؛ اما فروزانفر به صورت «ماه تو» آورده‌اند. در نسخه‌ی فذ ساکن بر روی «هء» در واژه‌ی «سپهر» قرار داده شده؛ در حالی که فروزانفر ساکن را روی «ر» قرار داده‌اند؛ البته معنی بیت بدون «واو عطف» بسامان نیست و مفهوم مفیدی ندارد.



تصویر ۷: صفحه‌ی ۳۷ فذ

در مصراع دوم ضبط پنج نسخه‌ی «خب، قح، عد، مق، چت» به صورت «خورشیدِ چرخِ چنبری» و ضبط چهار نسخه‌ی «جن، خج، قو، فذ» به صورت «خورشید و چرخ چنبری» است؛ اما فروزانفر بدون اشاره به ضبط متفاوت نسخ، ضبط اخیر را آورده‌اند. ترکیب «خورشیدِ چرخِ چنبری» در متون ادب فارسی بی‌سابقه نیست و سنایی نیز پیش از مولوی آن را به کار برده است:

معنی از اشعار او معروف گشت اندر جهان همچنان چون نور از خورشیدِ چرخِ چنبری

(سنایی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۳۸۳)

آربری مصراع نخست را مانند نسخ معتبر «ماه و سپهر و مشتری» ترجمه کرده؛ اما مصراع دوم را با «او عطف» ترجمه کرده؛ هرچند اساس ترجمه‌ی خود را نسخه‌ی «چت» قرار داده و در ترجمه برخلاف نسخه‌ی اساس خود «خورشید و چرخ چنبری» آورده است؛ در این مورد به نظر می‌رسد از فروزانفر پیروی کرده باشد.

Circumambulating about your moon, the moon and sky and Jupiter, the sun and hooplike sphere come into your sphere. (Arberry, 1992: ۳۰۵)

با توجه به اینکه نسخ معتبر بیشتری - قح، عد، خب - «خورشیدِ چرخِ چنبری» ضبط کرده‌اند و با توجه به سابقه‌ی این ترکیب در دیوان سنایی، ضبط بیت این‌گونه خواهد بود:

ای در طوافِ ماهِ تو، ماه و سپهر و مشتری ای^۷ آمده در چرخِ تو، خورشیدِ چرخِ چنبری

غزل ۳۳۲ فروزانفر / بیت ۱۲

فروزانفر بیت دوازدهم را این‌گونه ضبط کرده‌اند:

در بیشه‌ی شیران رو وز زخمِ میندش کاندیشه ترسیدن اشکال زنانه است

این غزل در نسخه‌های «قح، عد، قو، چت، فذ» آمده است.

ضبط تمام نسخ در مصراع دوم «اندیشه و ترسیدن» است؛ اما فروزانفر «واو» عطف را نیاوده‌اند و به ضبط نسخ هم اشاره‌ای نکرده‌اند.

متأسفانه آربری هم بدون توجه به ضبط نسخه‌ی اساس خود و با اثرپذیری از فروزانفر، بدون «واو عطف» ترجمه کرده است:

.... for the anxiety of fear is the figments of women; (Arberry, 1992: 71)

بنابراین ضبط درست بیت با «واو عطف» به این صورت است:

در بیشه‌ی شیران رو وز زخم میندیش کاندیشه و ترسیدن اشکال زنانه‌ست

غزل ۱۸۲۸ فروزانفر / بیت ۶

فروزانفر بیت ششم را این‌گونه ضبط کرده‌اند:

کار کنم چو کهتران، بار کشم چو اشتران بار که می‌کشم؟ ببین عزّت کار و بار من
این غزل در نسخه‌های «قح، عد، قو، چت، فذ» آمده. مصراع دوم در تمام نسخ به جز فذ چنین آمده است «عزّت و کار و بار من»؛ ولی فروزانفر براساس فذ و بدون ذکر ضبط دیگر نسخ «عزّت کار و بار من» ضبط کرده؛ بنابراین ضبط درست با «واو عطف» چنین است:

کار کنم چو کهتران، بار کشم چو اشتران بار که^۸ می‌کشم؟ ببین عزّت و^۹ کار و^{۱۰} بار من

۳. نتیجه‌گیری

در تصحیح ابیات موردبَحْثِ این مقاله، اشکال‌های متفاوتی وجود دارد؛ این ابیات ذیل دو عنوان اشتباه در خوانش و بی‌توجهی به نسخ آورده شده‌اند که هرکدام شامل زیرمجموعه‌هایی است. عنوان اوّل یعنی اشتباه در خوانش، گاهی به دلیل نوشته نشدن «های» بیان حرکت ایجاد شده است که در ابیات موردبَحْثِ بدان پرداخته شد. در رسم‌الخط امروز «های» بیان حرکت نوشته می‌شود و بدخوانی یا ابهام کمتری ایجاد می‌کند؛ اما نوشتن آن در نسخ خطی مخاطب را با تردید مواجه و اشکال‌هایی را در

تصحیح متن ایجاد می‌کند. نگذاشتن «ها»ی بیان حرکت در چاپ فروزانفر بسیار شایع است. خواننده در پاره‌ای ابیات می‌تواند حدس بزند و شیوه‌ی درست خوانش را برگزیند؛ ولی در بعضی موارد این امر دشوار می‌شود و گاهی دو نوع خوانش را ایجاد می‌کند که هر کدامش می‌تواند وجهی داشته باشد. انعکاس این دو خوانش متفاوت در ترجمه‌های انگلیسی و عربی نیز دیده می‌شود که در متن بدان‌ها اشاره شد.

دومین دلیل اشتباه در خوانش، **تصحیف** است. همان‌گونه که بارها در این مقاله اشاره شد، تعداد نقطه‌ها، دندان‌ها یا شکل مشابه حروف الفبا در موارد متعددی اشکال ایجاد کرده است؛ از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به تصحیف حروفی چون گ/ک، ی/ب/پ/ب/پ/ب/ر/ز و د/ر، اشاره کرد. در بعضی موارد نسخه‌های معتبری چون قره‌حصار و اسعدافندی به درستی نقطه‌گذاری کرده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد در چاپ فروزانفر، با توجه به نبود تمام نسخه‌بدل‌ها در زیرنویس، این غزل‌ها از روی تعدادی از نسخ مقابله نشده‌اند یا ضبط قویه‌ی پر حجم بیشتر مورد توجه بوده است و بقیه نسخ مورد غفلت واقع شده‌اند؛ برای نمونه درباره‌ی «هوا بس شور و شر دارد» که در نسخه‌های جن، قح، عد، قو، مق، چت، فذ آمده است، در تمام نسخ به صورت «هوا بس» ضبط شده است؛ ولی فروزانفر بدون توجه به ضبط کلّ نسخ در متن «هوایش» آورده‌اند. چنین اشتباهی مصحح بعدی، یعنی توفیق سبحانی را نیز به خطا انداخته است. شیوه‌ی نوشتن حرف «دال» و «را» نیز در ابیات متعدد موجب بدخوانی شده است که در این مقاله به دو مورد آن (در رفتن/ در دویدن و دویی/ روی) اشاره شد. این دو مورد در تمام نسخه‌ها «دال» نوشته شده و این اشکال شارحان را نیز به خطا انداخته است.

دومین عاملی که به ضبط نادرست واژگان و ترکیب‌ها منجر شده، **بی توجهی به نسخ خطّی** است. اعتبار نسخه و غلبه‌ی ضبط در نسخ متعدد از مواردی است که در حین تصحیح باید بدان‌ها توجه شود. شاید در برخی از این موارد تفاوت در ضبط واژگان به

تغییر فاحش معنایی منجر نشود؛ اما در هر حال بیت را از اصالت خود دور کرده و در بسامد کاربرد واژگان و سبک شاعری تأثیر بسزایی دارد. یکی از این موارد حذف نادرست واو عطف است که در دیوان کبیر فروزانفر شاهد مثال‌های متعددی دارد و در این مقاله به تعداد اندکی از آن‌ها اشاره شد. در بعضی نسخ واو عطف را به صورت ضمّه روی کلمه‌ی قبل از واو می‌گذاشتند؛ ولی در نسخه‌های معتبر دیوان چون قح، قو و عد به وضوح واو عطف ذکر شده که متأسفانه در چاپ دیوان کبیر این امر به درستی نوشته نشده است. موارد یادآوری شده در این مقاله بخش اندکی از اشکال‌های تصحیح دیوان کبیر است که البته نگارندگان سعی دارند با تصحیح مجدد دیوان کبیر بر اساس نسخ معتبر متنی بسامان‌تر از دیوان کبیر را به جامعه‌ی ادبی ارائه کنند.

یادداشت‌ها

۱. عل: کسی؛ فذ: پری
۲. عد: غیر دست
۳. چت: بعزم و رزم.
۴. فذ: گرز زوینست
۵. فذ: به جان
۶. خب، قح: بدات
۷. جن: وای || فذ: وی
۸. قح، عد، فذ: کی
۹. فذ: واو ندارد
۱۰. قو: واو ندارد

منابع

- قرآن مجید. (۱۳۷۹). ترجمه‌ی محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- آربری، آرتور جان. (۱۳۷۱). *ادبیات کلاسیک فارسی*. ترجمه‌ی اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- بلدی‌ی استانبول، نگهداری شده در کتابخانه بلدی‌ی استانبول، به شماره‌ی ۱۷.
- اسعدافندی، نگهداری شده در کتابخانه‌ی اسعدافندی در سلیمانیه، به شماره‌ی ۲۶۹۳.
- افلاکی، شمس‌الدین. (۱۳۸۵). *مناقب‌العارفین*. دو جلد، تصحیح تحسین یازجی، تهران: دنیای کتاب.
- چستربیتی، نگهداری شده در کتابخانه‌ی مستر چستربیتی، فیلم ۴۳۴۱ دانشگاه تهران.
- حالت افندی، جنگی است مشتمل بر اشعار مولانا و سلطان ولد، نگهداری شده در کتابخانه‌ی حالت افندی، فیلم ۵۵۸ دانشگاه تهران.
- خلیلی جهرمی، الهام و همکاران. (۱۳۹۳). «ناگفته‌هایی از یک نسخه‌ی خطی (نسخه‌ی نخجوانی دیوان کبیر مولوی)». مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه پیام‌نور خراسان شمالی، به‌کوشش فرامرز آدینه، صص ۲۵۳۹-۲۵۵۰.
- _____ (۱۳۹۵). «نقد دیوان کبیر مصحح بدیع‌الزمان فروزانفر با تکیه بر نسخه‌ی نورعثمانیه». *متن‌شناسی ادب فارسی*، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۲، پیاپی ۳۰، صص ۲۳-۳۸.
- دسوقی شتا، ابراهیم. (۲۰۰۹). *مختارات من دیوان شمس‌الدین تبریزی*. ۲ جلد، قاهره: المرکز القومي للترجمه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه (۱۵ جلد)*، تهران: دانشگاه تهران.

تصحیح و گزارش ابیاتی از دیوان کبیر / الهام خلیلی جهرمی _____ ۴۷

سبحانی، توفیق. (۱۳۸۶). «دیوان کبیر قونیه و کلیات شمس استاد فروزانفر». ادب پژوهی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۵.

سنایی، محدود بن آدم. (۱۳۹۳). دیوان حکیم سنایی. به کوشش محمدرضا برزگر خالقی، تهران: زوآر.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه، گزینش و تفسیر غزلیات شمس تبریز. ۲ جلد، تهران: سخن.

_____ (۱۳۸۵). گزیده‌ی غزلیات شمس. تهران: علمی و فرهنگی.

شکراللهی طالقانی، احسان. (۱۳۸۵). «تصنیف و تصحیف». آیین‌های میراث، شماره ۳۲، صص ۱۲۹-۱۵۸.

عطایی. (۱۳۹۲). سام‌نامه. تصحیح وحید رویانی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب. قره‌حصار، نگهداری شده در کتابخانه‌ی گدک احمدپاشا در افیون قره‌حصار، شماره‌ی ۱۶۰۵ و ۱۵۸۷.

قونیه‌ی کم‌حجم. نگهداری شده در موزه‌ی قونیه، به شماره‌ی ۲۱۱۳.

قونیه‌ی پر حجم. نگهداری شده در موزه‌ی قونیه، به شماره‌ی ۷۰.

لوئیس، فرانکلین. (۱۳۸۵). مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب. ترجمه‌ی حسن لاهوتی، تهران: نامک.

مرحوم حاجی محمد نخجوانی، نگهداری شده در کتابخانه‌ی ملی تبریز، به شماره‌ی ۳۶۲۱.

مسعود سعد سلمان. (۱۳۸۴). دیوان مسعود سعد سلمان. با مقدمه‌ی رشید یاسمی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۶۳). کلیات شمس. ۱۰ جلد، تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: امیرکبیر.

_____ (۱۳۸۶). کلیات شمس تبریزی (چاپ عکسی نسخه خطی)

موزه‌ی مولانا در قونیه). به‌اهتمام توفیق، هـ سبحانی، تهران: مؤسسه‌ی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

_____ (۱۳۸۹). کلیات شمس تبریزی. ۲ جلد، توضیحات، فهرست

و کشف‌الابیات و تصحیح توفیق هـ سبحانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

_____ (۱۳۹۷). شرح دیوان شمس تبریزی. شرح کریم زمانی، تهران:

شکوه دانش و قطره.

نورعثمانی، نگهداری‌شده در کتابخانه‌ی حسن عالی بک یوجل، به شماره‌ی ۱۲۹۲۷.

نیری، محمدیوسف و همکاران. (۱۳۹۳). «لزوم تصحیح دوباره‌ی غزلیات شمس».

شعرپژوهی، سال ۶، شماره‌ی ۲، پیاپی ۲۰، صص ۱۶۱-۱۸۶.

ویلی، محمدعیسی. (۱۳۷۶). «ترجیعات مولانا و نسخه‌های دیوان مولانا». گردآوری ایرج

افشار و هانس روبرت رویمر، سخنواره (پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز

ناتل خانلری)، تهران، توس، صص ۷۰۹-۷۵۴.

Arberry. A. J. (2009). *Mystical Poems of Rumi*. Edited by Ehsan Yarshater, with a new foreword by Franklin D. Lewis, Chicago and London: The university of Chicago Press.

Nicholson, Reynold (1898). *Selected Poems from The Divani Shamsi Tabriz*. Cambridge: University Press.